



گفت وگویی «ایران» با یاسر طالبی کارگردان مستند «دلبند»

## ثبت خاطرات یک نسل شکوهمند

پرسیاساسانی

خیرنگار

مستند سینمایی «دلبند» برخاسته از فرهنگ احترام به زمین و خاک است که همه این فرهنگ را در دبستگی فیروزه خورشیدی زن ۸۳ساله شمالی به گوهایی که دارد می بینیم. «دلبند» ساخته یاسر طالبی و یاتپه‌کنندگی الهه نوبخت است که در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تولید شده است. یاسر طالبی مستندساز تلویزیونی است که با «دلبند» نخستین فیلمسازی مستقل خود در سینمای مستند را تجربه کرده است. این فیلم در سری وهفتمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد وپیش از این در بخش مسابقهٔ ایدفا» (جشنواره فیلم‌های مستند آموستردام) حضور پیدا کرد وتوانست رتبه بالا در لیست ۱۰مستند برتر این جشنواره را به خود اختصاص دهد.وقرار است هم‌زمان بانمایش این فیلم به‌عنوان نته‌نامه‌ینده ایران درصفت ونهمین جشنواره فیلم برلین دربخش «Culinary Cinema» (سینما و فرهنگ غذا) نیز حضور پیدا کند.یاسر طالبی کارگردان فیلم «دلبند» در گفت‌وگوبا «ایران» درباره تجربه حضور این فیلم در عرصه بین‌الملل، چرایی جذابیت این فیلم برای مخاطبان خارج از کشور، در اختیار بودن سوره، دوری از ساخت قهرمان جعلی ومسائل پیرامون سینمای مستند صحبت کرد.

■ برای آغاز درباره تجربه حضور مستند سینمایی «دلبند» در جشنواره «ایدفا» بگویید.

در جشنواره فیلم «ایدفا»، مستند «دلبند» بسیار خوش درخشید و جزو ۵ فیلم برتر از جهت تعداد حضور مخاطب بود. به این ترتیب که این فیلم ۵ سانس طبق جدول داشت و به ۶ سانس فوق‌العاده نیز رسید.و بااستقبال تماشاگران هلندی روبه‌رو شد. «دلبند» یک اثر ساده

بابک بهداد از مستند «بهارستان، خانه ملت» می‌گوید

### سینمای مستند همیشه در حاشیه فجر قرار داشته است

کامبیز حضرتی

خیرنگار

فیلم مستند «بهارستان، خانه ملت» را بابک بهداد تهیه و کارگردانی کرده است. بهداد در فیلم جدید خود جغرافیای تاریخی و اجتماعی منطقه بهارستان تهران را از دوره ناصرالدین شاه تا سال ۱۳۵۷ به تصویر کشیده است. فیلم، فضایی شهری دارد و تهران مدرن را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد و از طریق بهارستان به بازخوانی تاریخ معاصر ایران می‌پردازد. بهداد که با این فیلم حضور موقفی در جشنواره سینما حقیقت داشته حالا با مستند «بهارستان، خانه ملت» به جشنواره فجر آمده است. با این مستندساز درباره جشنواره فجر و مستندش به گفت‌وگو پرداختیم.

■ حضور مستند در جشنواره فجر امسال باحاشیه‌های زیادی همراه بوده است. به نظر شما چقدر مستند در جشنواره فجر جدی گرفته می‌شود؟

جشنواره فجر یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های ایران است و برای سینمای مستند اهمیت زیادی دارد. متأسفانه سینمای مستند همیشه در حاشیه این جشنواره قرار گرفته و اجازه داده نشده تا این بخش جای خودش را در بین انواع فیلم‌های جشنواره فجر باز کند. به نظر من حضور فیلم مستند در جشنواره فیلم فجر درست و ضروری است و هیچ منافاتی با جشنواره فیلم‌های مستند مانند جشنواره حقیقت یا جشنواره‌های دیگر ندارد. این جشنواره می‌تواند به‌صورت مستقل برای خودش بخشی برابری نمایش فیلم‌های مستند داشته باشد. همچنین رقابتی بین این فیلم‌ها ایجاد می‌کند.

■ از نگاه شما دلیل در حاشیه قرار گرفتن مستند چیست؟

بخشی از آن به خاطر تغییر مدیریت‌ها و دبیر جشنواره بوده است و

■ خیلی از هم‌صنفی‌های شما فیلم‌هایی از جنس نمایش زندگی فیروزه‌ساخته‌اند؟

نکته درستی است و این موضوعی بود که من هم به آن فکر می‌کردم و مدام با خودم مرور می‌کردم که با توجه به اینکه امثال فیروزه در کشور ما زیاد است ودوستان بسیاری هم در قالب فیلم مستند درباره او فیلم ساخته‌اند، بنابراین من می‌خواهم چه فیلمی بسازم که اصل حرف از آن درآید؟

■ پاسخ به‌سؤال چه بود؟

در بررسی‌های مختلفی که انجام دادم به این نتیجه رسیدم «دلبند» قرار است برای مخاطب هدفی ساخته شود که جامعه ایرانی را نمی‌شناسد و اگر قرار باشد یک زن ایرانی موفق که در فرهنگ سنتی متعلق به ایران رشد کرده را نشان دهیم، آدرس فیلم «دلبند» و فیروزه را بدهیم. زمانی که با مخاطب بین‌المللی مواجه شدم نظرشان این بود، فیروزه انسانی است که گذشته را در امروز زندگی می‌کند. این نوع نگاه تماشاگر برای من به‌عنوان یک فیلمساز بسیار ارزشمند بود. ضمن اینکه برای من کشف ناشناخته‌های زندگی فیروزه‌همتر از نالیسم بود.

■ یکی از نکات قابل توجه فیلم از منظر تماشاگر ایرانی توصیه به برگشت نسل بخصوص جوان به خاک وزمین به‌عنوان مهربورش وجودانسان است.

بودا که عبارت جالبی دارد که می‌گوید هیچ فرزانه‌ای نمی‌درخشد و اگر انسان‌هایی امثال فیروزه و فرهنگی که پشتوانهٔ آنهاست را من به‌عنوان فیلمساز و شمایه‌عنوان خبرنگار مطرح‌کنیم، به‌قول بودا هیچ فرزانه‌ای نمی‌درخشد. بنابراین دیدن هستی به قول مولانا به ما انسان‌ها برمی‌گردد که چطور زندگی را باشکوه ببینیم و من سعی کردم در این فیلم فیروزه و زندگی گالشی (دامادری) را باشکوه ببینم. نکته دیگر اینکه فیروزه سختی و مشقت‌های زندگی خود را آنقدر خوب تفسیر می‌کند که من به‌عنوان یک فیلمساز خود را ملزم دانستم که از این شکوه زندگی ساده فیروزه فیلم‌سازم.

■ مستند «دلبند» علاوه بر ویژگی‌های خاص در بیان شیوه‌ای از زندگی، به حفظ کبان خانواده و رعایت اخلاق نیز تأکید دارد.

در همین راستا در تیزر و حقیق و پژوهش به این موضوعات فکر کردید؟

بعد از دوسال کار با فیروزه، او یک بار به من گفت که حالا ما رو فرزند شدیم. یعنی توانستم اعتماد او را جلب کنم. خوب برای رسیدن به این نقطه تلاش بسیاری

کردم و زمانی که فیروزه به این نکته اشاره می‌کند بالطبع به این معناست که در ارتباط با او موفق بودم وهمه اتفاق‌های زندگی شخصی‌اش را از روی اعتماد با من درمیان گذاشت و این اعتماد برای من قابل تقدیر بود. در واقع شیوه رفتاری که در طول مسیر با هم داشتیم همان رعایت اصول اخلاقی در مواجهه با سوزیه بود و این شیوه رفتاری برخاسته از حال و هوای سوزیه‌ودر مقابل روبه‌رویی ما با سوزیه بود. بنابراین این فیلم می‌تواند نماینده خوبی از حیث نشان دادن ارزش‌های انسانی و ملی باشد. تأکید می‌کنم فیلم مستند «دلبند» نماینده خوبی برای سینمای ایران در جشنواره‌های بین‌المللی خواهد بود و به جرات می‌گویم که این فیلم بدون یک فریم سانسور قابلیت پخش از تلویزیون را دارد.

■ حضور این فیلم در جشنواره برلین را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خیلی منتظر نمایش فیلم در جشنواره برلین هستم و مشتاق هستم ببینم که تماشاگر فیلم‌های جشنواره برلین چگونه به فیروزه و فیلم «دلبند» نگاه می‌کنند.

■ پیش از برلین جشنواره فیلم فجر را راه دارید؟ منتظر واکنش مخاطب ایرانی نیستید؟

قطعاً تماشاگر ایرانی مهم است اما مسأله من این است که از ابتدا می‌خواستم یک زن ایرانی را برای مخاطبان خارجی به‌تصویر بکشم و اگر قرار بر این بود که این فیلم را فقط مختص مخاطبان ایرانی بسازم، قطعاً ایگونه نمی‌ساختم و اساساً فیلم را به این سادگی نمی‌دیدم و با ریتم تندتری فیلم را می‌ساختم. چون مخاطب ایرانی و اساساً مخاطب شرقی حوصله دیدن و شنیدن قصه‌های کهن شرقی را ندارد. اما باز خوردی که در «ایدفا» با آن مواجه شدم با بازخوردی که از تماشاگر ایرانی در «سینما حقیقت» دیدم خیلی متفاوت بود. تماشاگران «ایدفا» این فیلم را به‌دلیل سادگی دوست داشتند و می‌گفتند که یاد فیلم‌های کپارستمی افتادند.

■ به‌عنوان آخرین سؤال، فکر می‌کنید دست‌پرازی برلین برمی‌گردد؟

دیدم شدن ذات کار سینماست و من هم به‌عنوان یک فیلمساز بی‌تردید دوست دارم دست‌پر برگردم. اما واقعیت این است که بازخورد مخاطب و چگونگی مواجه شدن او با فیلم برای من مهم است، چرا که در حوزه مخاطب شناسی خیلی نکات مهم رami آموزم. همان‌طور که «ایدفا» دریچهای بسیار خوب و درس‌تازه‌ای برای من از جهت مخاطب شناسی بود.

حاشیه‌نگاری روز هفتم جشنواره فیلم فجر

#### دیدن این فیلم‌ها جرم است



سیدرضا منامی

منتقدسینما

#### خبرسانان

جشنواره روز هفتم خود را هم پشت سر گذاشت و دست کم در پردیس ملت و سینمای رسانه‌ها در یکی دوروز گذشته فیلمی که بتواند رضایت قاطع منتقدان و اهالی رسانه را به همراه داشته باشد به نمایش درنیاآمده، همین مسأله غرولندها را بیشتر کرده و خیلی‌ها به سطح کیفی فیلم‌ها معترضند. با این حال فیلم‌های بحث‌برانگیزی در روز هفتم به نمایش درآمد از جمله فیلم «دیدن این فیلم جرم است» فیلمی که پیش از فرارسیدن زمان نمایش آن در پردیس ملت گمانه‌زنی‌های بسیاری درباره سوزیهٔ او و مضمون سیاسی‌اش انجام شده بود و بسیاری آن را نسخه حقیقی از «آژانس شیشه‌ای»، ابراهیم حاتمی‌کیا می‌دانستند. نشست پرسش و پاسخ این فیلم نیز نکات جالبی را به‌همراه داشت، کارگردان این اثر علت نامی که برای فیلمش از نظر گرفته است را دیا لوگ یکی از سکانس‌هایی دانست که به‌دلیل مشکلات فنی حذف شده و در نسخه نمایش داده شده وجود نداشت. همچنین او از نیروی انتظامی نیز بابت حذف یک سکانس دیگر که درباره تقابل نیروهای امنیتی و بسیج بود گلایه کرد. با احتساب مستند «نت‌های مسی یک رویا» در سانس ابتدایی، سومین فیلمی که در روز سه‌شنبه به نمایش در آمد، اثری با حال و هوا و مضمون دفاع مقدس بود به نام «۲۳ نفر» به کارگردانی مهدی جعفری، این فیلم به ماجرای ۲۳ نوجوان ایرانی که در اسارت عراق بودند و صدام سعی داشت تا از آنها سواستفاده تبلیغاتی کند پرداخته است. «۲۳ نفر» حال و هوای متفاوتی را به پردیس سینمایی ملت بخشید خصوصاً زمانی که تعدادی از رزمندگان جنگ در کنار بازیگران نوجوان این فیلم در مراسم اکران و نشست خبری حضور پیدا کردند.

سانس پایانی جشنواره فجر در روز هفتم به فیلم «باتو شتری» ساخته مهدی علی‌میرزایی اختصاص داشت؛ فیلمی که کم‌دی متفاوتی را به تماشاگر نمایش می‌دهد. با این حال فیلم آن‌طور که به نظر می‌رسید در جلب نظر اهالی رسانه و منتقدان موفق عمل نکرد. از مسائل جالب توجه نشست خبری این فیلم اظهارات کارگردان آن بود که تأکید کرد هدف خاصی از ساخت این فیلم نداشته و به‌نظرش کم‌دی آن مختص تحسینکرده‌هاست.

پردیس ملت در روز هفتم جشنواره میزبان چهره‌هایی چون محمدرضا باهنر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، سعید اوحدی رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری و حجت‌الله ایوبی رئیس اسبق سازمان سینمایی و دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو بود. حاشیه‌ای که این یکی دوروز داغ‌تر شده به آرای بخش مردمی مربوط می‌شود که شاهد یک حذف و اضافه دائم در گردش و چرخش آن هستیم. در روز سه‌شنبه ۱۶ بهمن هفت فیلم برتر آرای مردمی سی وهفتمین جشنواره فیلم فجر هم اعلام شد و در نهایت فیلم «قصر شیرین» به کارگردانی رضا میرکریمی از دور رقابت کنار رفت. فیلم‌های «۲۳ نفر»، «غلامرضا تختی»، «متری شیش و نیم»، «سرخوست»، «ماجرای نیمروز: رد خون»، «شی که ماه کامل شد»، «جان داد» هشت فیلم برتری هستند که توانسته‌اند نظر مخاطبان را جلب کنند و باید دید در پایان کدام فیلم می‌تواند سیمرغ این بخش را از آن خود کند و تا روزهای پایانی جشنواره در جلب نظر مخاطبان موفق باشد.

به بهانه حضور حامد بهداد در «قصر شیرین»

#### از جنس زندگی



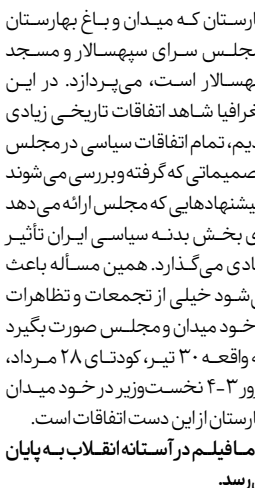
محدثه واعظ‌پور

روزنامه‌نگار

#### دیدگاه

در سال‌های آغازین دهه هشتاد، حضور حامد بهداد در سینمای ایران یک اتفاق بود. او که در فیلم کمتر دیده شده همایون اسعدیان «آخر بازی» نامزد دریافت سیمرغ بلورین شده بود، خیلی زود به‌گزینه اول بسیاری از کارگردان‌ها تبدیل شد. البته نقش‌ها و انتخاب‌های بعدی‌اش با کاراکتر آرام‌تر تفاوت داشت. حامد بهداد با شخصیت عاصی‌اش برای مخاطب جذاب بود، با یک بازی برونگرایانه که خشم و اعتراض بخشی از آن بود. با «بوتیک» (حمید نعمت‌الله) به شهرت رسید و پس از آن اغلب او را در قالب نقش‌هایی دیدیم که پرسونای او را به‌عنوان جوان عصیانگر شکل داد. اگرچه در همین دوره او در «کافه ستاره» (سامان مقدم) هم حضوری قابل توجه داشت، اما جامعه او را با آن پرسونا دوست داشت. آنچه باعث می‌شد در همه این سال‌ها، گروهی حامد بهداد و بازی‌هایش را ناندیده بگیریم، بخش اعز رفت‌ها، عکس‌العمل‌ها و درونگرایش بود. او می‌خواست متفاوت باشد و این متفاوت بودن همیشه به نفعش تمام نمی‌شد. اگرچه برای عده‌ای، بویژه جوان‌ها رفتارهایش جذاب و منحصر به فرد بود، اما اغلب جامعه، فضای رسانه‌ا و اهالی سینما به این سبک زندگی واکنش منفی نشان می‌دادند و او را متهم به نمایشگری و تصنع می‌کردند.

او کارنامه‌ای متنوع دارد، شاید بسیار بیشتر از ستاره‌های یک نسل قبل و یک نسل بعد از خود. در روزهایی که گمان می‌رود ستاره اقبالش دیگر درخشش ندارد، قادر است دوستان‌راش را شگفت‌زده و امیدوار کند. این ویژگی‌هاست که تماشااش بازی‌اش را دوست داشتنی کرده است. در «قصر شیرین» بهداد فرصت کرده، ترکیبی از همه آنچه در خود دارد و در عکس‌ان آن مهارت دارد، به‌واقعی‌ترین شکل ممکن متبلور کند. جلال که شخصیت تلخ و درونگراست، مردی که ظاهراً برای این که تماشاگر از او متنفر شود، همه چیز دارد، اما بازی بهداد مانع از آن می‌شود که ارتباط مخاطب با او قطع شود. حتی وقتی تماشاگر متوجه می‌شود قلب همسرش را فروخته تا مشکلات مالی‌اش را حل کند. جلال، دیوی است که در طی مسیر، عاقبت‌ازپا درمی‌آید و او به زندگی لبخند می‌زند. جادوی عشق شیرین، این دیو عصبی و کلافه را که حتی حاضر نیست به بچه‌هایش، مهر بورزد آرام می‌کند. در طول فیلم، این تحول درونی را می‌شود در بازی بهداد دید، در سکوت‌ها، نگاه‌های سرد خیره‌و در حرکاتش می‌شود مردی را دید که برای ادامه راه، انگیزه‌های ندارد. حامد بهداد با فاصله از همه نقش‌های گذشته، حتی از بهترین‌هایش، در «قصر شیرین» بدون هیچ خودنمایی، بخش مهمی از فضای واقع‌گرای فیلم است. در کنار نابازیگرانی که قرار است، فضای فیلم را به زندگی نزدیک کنند، او تنها بازیگر حرفه‌ای است که کوشیده و توانسته بدون آنکه به چشم بیاید و خودنمایی کند، نقش‌ش را بازی کند. اگر امسال بیمان‌معدای در «متری شیش ونیم»، هوشن شکبیا در «وقتی قرص ماه کامل شد» و امین حیایی در «در دنگوگاه» درخشان نبودند، حامد بهداد تاثیرگذارانه نقش سیمرغ بلورین نقش اول خود



پینترست

بهارستان که میدان و باغ بهارستان و مجلس سرای سپهسالار و مسجد سپهسالار است، می‌پردازد. در این جغرافیا شاهد اتفاقات تاریخی زیادی بودیم، تمام اتفاقات سیاسی در مجلس و تصمیماتی که گرفته وبررسی می‌شوند با پیشنهادهایی که مجلس ارائه می‌دهد روی بخش بدنه سیاسی ایران تأثیر زیادی می‌گذارد. همین مسأله باعث می‌شود خیلی از تجمعات و تظاهرات در خود میدان و مجلس صورت بگیرد که واقعه ۳۰ تیر، کودتای ۲۸ مرداد، ترور ۴-۳ نخست‌وزیر در خود میدان بهارستان از این دست اتفاقات است.

■ اما فیلم در آستانه انقلاب به پایان می‌رسد.

این فیلم را با محوریت اتفاقات تاریخی سیاسی در آن منطقه ساختم که از دوره ناصرالدین شاه شروع می‌شود و به چگونگی شکل گرفتن بهارستان می‌پردازد و ادامه پیدا می‌کند و اول انقلاب هم فیلم تمام می‌شود و البته این تصمیم معنادار است. جسارت داشتند در ساخت فیلم مستند به خود مستندساز و شرایطی که در آن خود می‌سازد، بستگی دارد. بالاخره خط قرمزهایی در این مسیر وجود دارد که موجب می‌شود مستندساز خودش را سانسور کند، چرا که باید فیلمش را به ارشاد یا تلویزیون ارائه دهد و آنها نیز یک خط قرمزهایی دارند که تا یک حدی به فیلم مستند اجازه می‌دهند به یک‌سری مسائل بپردازد. مخصوصاً فیلم‌های مستند اجتماعی که در حال حاضر یک مقدار به سختی تولید می‌شوند پر و رو می‌گیرند. برای من البته این منطقه نشان دادن وقایع آن مهم است. اولین

است و وقتی که شکل می‌گیرد اتفاقات مهم سیاسی همانجابه‌وقوع می‌یوندند و آدم‌های مهم سیاسی به آنجا رفت و آمد می‌کنند. تحقیق این فیلم تقریباً سه سال ونیم طول کشید و روزنامه‌های دوره مشروطه، قاجار و پهلوی اول و دوم

بهارستان که میدان و باغ بهارستان و مجلس سرای سپهسالار و مسجد سپهسالار است، می‌پردازد. در این جغرافیا شاهد اتفاقات تاریخی زیادی بودیم، تمام اتفاقات سیاسی در مجلس و تصمیماتی که گرفته وبررسی می‌شوند با پیشنهادهایی که مجلس ارائه می‌دهد روی بخش بدنه سیاسی ایران تأثیر زیادی می‌گذارد. همین مسأله باعث می‌شود خیلی از تجمعات و تظاهرات در خود میدان و مجلس صورت بگیرد که واقعه ۳۰ تیر، کودتای ۲۸ مرداد، ترور ۴-۳ نخست‌وزیر در خود میدان بهارستان از این دست اتفاقات است.

■ مستند شما درباره فضای تهران در دل تاریخ است.

مستند «بهارستان، خانه ملت» یک مستند تاریخی است که جغرافیای سیاسی و اجتماعی بخشی از ایران را مطرح می‌کند و به یک بخش از لوکیشن